

www.ketab.ir

# پنج قاره تئاتر

اوجنیو باربا و نیکولا ساوارزه

ترجمه محسن تمدنی نژاد و شهاب آگاهی

نیما

سرشناسه: باربا، اوجینو Barba, Eugenio

عنوان و نام پدیدآور: پنج قاره‌ی تئاتر: حقیقت‌ها و افسانه‌هایی درباره‌ی فرهنگ مادی بازیگر / اوجینو باربا، نیکولا ساوارزه: ترجمه محسن تمدنی نژاد، شهاب آگاهی.

مشخصات نشر: تهران: نشر نیماژ، ۱۴۰۰. / مشخصات ظاهری: ۵۳۰ ص.: مصور.

شابک: ۰-۷۶۳-۳۶۷-۶۰۰-۹۷۸ / وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی اثر با عنوان "The five continents of theatre : facts and legends about the material culture of the actor, 2019." به فارسی برگردان شده است.

عنوان دیگر: حقیقت‌ها و افسانه‌هایی درباره‌ی فرهنگ مادی بازیگر.

موضوع: نمایش -- تاریخ -- Theater -- History

نمایش -- جنبه‌های انسان‌شناسی -- Theater -- Anthropological aspects

بازیگری (نمایش) -- Acting / انسان‌شناسی کاربردی -- Applied anthropology

فرهنگ مادی -- تاریخ -- Material culture -- History

شناسه افزوده: ساوارز، نیکولا، ۱۹۴۵ - م. Savarese, Nicola

شناسه افزوده: تمدنی نژاد، محسن، ۱۳۶۵ - ، مترجم / آگاهی، شهاب، ۱۳۶۰، مترجم

رده بندی کنگره: ۲۱۹۰ PN رده بندی دیویی: ۰۹۰۵ / ۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۶۰۹۴۵

## اوجینو باربا، نیکولا ساوارزه پنج قاره‌ی تئاتر: حقیقت‌ها و افسانه‌هایی درباره‌ی فرهنگ مادی بازیگر مترجمان: محسن تمدنی نژاد، شهاب آگاهی

نشر: نیماژ

مدیر هنری و طراح گرافیک: محمد جهانی مقدم

ویرایش: تحریریه‌ی نشر نیماژ

لیتوگرافی: نقش‌آور چاپ و صحافی: فارابی

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱ / تیراژ: ۵۰۰ نسخه

ISBN: 978-600-367-763-0

قیمت: ۲۶۰۰۰۰ تومان

# نیماژ

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان لبافی نژاد، شماره ۱۸۴.

تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

Nimajpublication

Nimajpublication@gmail.com

www.nashrenimaj.com

۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

حق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است.

## فهرست

|                                                       |                                                 |                                                    |
|-------------------------------------------------------|-------------------------------------------------|----------------------------------------------------|
| ۱۸. بازیگران هم پول تماشاگران را قبول می کنند هم      | ۱۱                                              | نامه‌ای به مترجم و خوانندگان                       |
| ۶۳ پول حامیان هنری                                    | ۱۲                                              | سپاسگزاری                                          |
| ۶۶ ۱۹. اروپا: از یک میدان تا یک آلونک                 | ۱۵                                              | مقدمه                                              |
| ۶۷ ۲۰. از یک میدان تا یک حیاط                         | ۱۵                                              | شروع کار                                           |
| ۶۹ ۲۱. ژاپن: از فضای باز تا یک آلونک                  | ۱۷                                              | تکنیک‌های بدنی-ذهنی و تکنیک‌های کمکی               |
| ۷۱ ۲۲. از فضای باز تا یک صحنه‌ی محصور                 | ۱۷                                              | ۲. دو دوست، بووار و پکوشه درباره‌ی تاریخ تئاتر و   |
| ۷۱ بل کلاودل تئاتر نو را در توکیو می‌بیند             | ۱۷                                              | بازیگران بحث می‌کنند.                              |
| ۷۲ مردی انگلیسی یک نمایش کم‌دی در ایتالیا می‌بیند     |                                                 |                                                    |
| ۷۳ ۲۳. کارت‌های ورود و بلیط‌ها: پول گرفتن و توزیع     | ۲۳                                              | فصل اول / یکی                                      |
| ۷۳ صحنه‌ها                                            |                                                 |                                                    |
| ۷۶ ۲۴. تئاترها گاهی با باز می‌کنند                    |                                                 | ۱. بووار و پکوشه درباره‌ی رقصنده‌های زن معبد با هم |
| ۷۸ ۲۵. دعوا و مرافعه بین تماشاگران بر سر بلیط مجانی   | ۲۳                                              | گفت‌وگو می‌کنند.                                   |
| ۷۸ ۲۶. اگر می‌خواهی تماشاگران وارد سالن تئاتر شوند،   | ۲۷                                              | ۲. تأملی بر زمان                                   |
| ۷۹ رژه‌ای در بیرون برگزار کن.                         | ۲۹                                              | ۳. زمان جشن                                        |
| ۸۱ ۲۷. رژه‌ای که مسیر تاریخ را عوض می‌کند             | ۳۱                                              | زمان مقرر                                          |
| ۸۴ ۲۸. رژه‌ی ثابت و متحرک                             | ۳۳                                              | ۴. وقتی که غارنشینان می‌رقصیدند                    |
| ۸۲ رژه‌ی پایانی                                       | ۳۶                                              | ۵. انسان‌ها با حیوانات و ایزدان می‌رقصند           |
| ۸۳ رژه‌ی سیرک                                         | ۳۷                                              | در محدوده‌های انسان                                |
| ۸۴ رژه‌ی کودکان                                       | ۳۹                                              | ۶. حیوانات روی صحنه                                |
| ۲۹. وقتی بازیگران از لوگوها و سمبل‌ها استفاده می‌کنند | ۴۲                                              | ۸. مونکای و کنوسوس                                 |
| تا خود را در زمره‌ی اشراف قرار دهند.                  | ۴۳                                              | گاوایان مونکای                                     |
| ۷۸ ۳۰. وقتی بازیگران به دست یک مدیر (ایمپرساریو)      | ۴۴                                              | ۹. اساطیر و رقص‌ها در مصر فرعون‌ها                 |
| می‌افتند                                              | ۴۷                                              | ۱۰. آواز بز و آواز در بازار گاه، تولد تئاتر یونانی |
| ۸۹ مادمازل مونتانز به                                 | ۴۹                                              | دیونوسوس و باکوس                                   |
| ۹۱ لوییس موریسون، مفیستوفلس                           | ۵۱                                              | ۱۱. اسطوره‌ی تولد تئاتر در هند                     |
| ۹۲ دون پدرو و تئاتر سولیس                             | ۵۲                                              | تئاتر، مایه‌ی آرامش زندگی                          |
| ۹۳ سرگئی دیازیلوف، تجارت و هنر                        | ۵۳                                              | کریشنای پرشور                                      |
| ۹۴ می لانفانگ و چی روشن                               | ۵۵                                              | ۱۳. چین: شوان زونگ و باغ گلایی                     |
| ۹۷ مورتا کلتیا کابوکی را اصلاح کرد                    | ۵۶                                              | ۱۴. نزاع خیر و شر در بالی                          |
| ۹۸ لویی فولر، رقصنده و مدیر تئاتر                     | ۵۸                                              | ۱۵. حامیان معنوی و حامیان مادی                     |
| ۹۹ کارتل چهار در پاریس                                | ۱۶. چرا امپراطورها، شاهزادگان، سلاطین، پاپ‌ها و |                                                    |
| ۱۰۰ قهوه و تئاتر در ماینسالیس                         | رهبران سیاسی پول بسیار زیادی را روی نمایش‌ها    |                                                    |
| ۱۰۲ ماکس راینهارت، کارگردان و مدیر تئاتر              | ۹۵                                              | سرمایه‌گذاری می‌کنند؟                              |
| ۱۰۳ ۳۱. وقتی بازیگران آرزو دارند بودجه‌ی کارشان تأمین | ۶۲                                              | ۱۷. از اقتصاد جشن تا اقتصاد بازار                  |

|     |                                                     |
|-----|-----------------------------------------------------|
| ۱۶۷ | ۲۸. عناصر شاخص تئاتر سبک ایتالیایی                  |
| ۹۶۱ | ۲۹. صندلی‌های سالن و لژها                           |
| ۱۷۲ | افتخار تئاتر سبک ایتالیایی                          |
| ۱۷۲ | اشاعه‌ی تئاتر سبک ایتالیایی                         |
| ۱۷۲ | ۳۰. لژهای سلطنتی و لژهای معمولی                     |
| ۱۷۴ | ۳۱. خدایان                                          |
| ۱۷۵ | ۳۲. پرده                                            |
| ۱۷۶ | چون پرده فرو افتد                                   |
|     | ۳۳. خانه‌ی بازیگر و خانه‌ی تماشاگر: اتاق‌های لباس و |
| ۱۷۸ | سرسرا                                               |
| ۱۸۲ | ۳۴. کف‌زدن‌ها، گل‌ها و سوت‌زدن‌ها                   |
| ۱۸۳ | ۳۵. جنگل سنگی. تئاترها و نمایش‌های گراف             |
| ۱۸۶ | پاناروماها، شگفتی‌های نو                            |
| ۱۸۸ | معماری برای تماشاگر                                 |
| ۱۹۱ | تجربه‌ی امکان                                       |
| ۱۹۳ | ۳۶. تئاتری که از سنگ‌ها و آجرها ساخته نشده است      |

## ۱۹۵

### فصل سوم/ چطور

|     |                                                   |
|-----|---------------------------------------------------|
| ۱۹۵ | ۱. بووار و پکوشه درباره‌ی دستورالعمل‌ها و خوشوقتی |
| ۱۹۵ | بحث می‌کنند                                       |
| ۱۹۷ | نخستین درس یک بازیگر                              |
| ۱۹۷ | استعداد                                           |
| ۱۹۸ | ۲. چطور بازیگر شویم                               |
| ۱۹۸ | فرهنگ‌پذیری و درون فرهنگی                         |
| ۱۹۸ | درون فرهنگی به مثابه نقطه‌ی عزیمت                 |
|     | فرهنگی پذیرای به مثابه نقطه‌ی عزیمت ۱۹۹           |
| ۲۰۱ | سخت‌گیری، گورو، سنسی، تاشی، استاد دانای کهنسال    |
| ۲۰۲ | سنت اروپایی امروز جمعی                            |
| ۲۰۴ | نخستین مدارس تئاتر                                |
| ۲۰۶ | مدارس تئاتری امروز                                |
| ۲۰۸ | پارادوکس نرمش‌ها                                  |
| ۲۰۹ | یادگیری در محیطی ارگانیک                          |
| ۲۱۴ | تکنیک‌های یک شخصیت و اصول عینی                    |
| ۲۱۴ | انسان‌شناسی تئاتر                                 |
| ۲۱۵ | ۳. تکنیک بازیگر چگونه تغییر می‌کند: اصلاح بزرگ    |
| ۲۱۸ | ۴. عوامل مادی چگونه تئاتر را تغییر دادند          |
| ۲۱۹ | یک تئاتر سفارشی                                   |
| ۲۲۰ | ۵. جغرافیای اصلاح بزرگ (۱۹۳۹-۱۸۷۶)                |
| ۲۲۰ | روسیه                                             |
| ۲۲۰ | ... در آمریکا                                     |
| ۲۲۱ | سوئد                                              |
| ۲۲۱ | دانمارک                                           |
| ۲۲۱ | لهستان                                            |
| ۲۲۱ | ایرلند                                            |
| ۲۲۱ | سوئیس                                             |
| ۲۲۱ | انگلستان                                          |
| ۲۲۱ | ایتالیا                                           |
| ۲۲۱ | فرانسه                                            |
| ۲۲۲ | آلمان                                             |
|     | ۶. اصلاح بزرگ: مرحله‌ی اول (۱۸۷۶-۱۹۳۹). تغییرات   |

|     |                         |
|-----|-------------------------|
| ۱۰۷ | شود                     |
| ۱۰۷ | بازار                   |
| ۱۰۸ | تأمین بودجه             |
| ۱۰۸ | بازار گسترش پیدا می‌کند |
| ۱۰۹ | اپوس/گروه               |
| ۱۰۹ | مهارت/هنر               |
| ۱۱۰ | رسم/سنت                 |
| ۱۱۰ | ارزش                    |

## ۱۱۳

### فصل دوم/ کجا

|     |                                                            |
|-----|------------------------------------------------------------|
| ۱۱۳ | ۱. بووار و پکوشه درباره‌ی خانه‌های کوچک بازیگران           |
| ۱۱۳ | خیال‌پردازی می‌کنند                                        |
| ۱۱۵ | ۲. سه فضای بازیگر                                          |
| ۱۱۸ | ۳. در آغاز دایره بود                                       |
| ۱۲۲ | ۴. بازیگر در مرکز                                          |
| ۱۲۲ | نقال‌ها                                                    |
| ۱۲۲ | ۵. نقص دایره                                               |
| ۱۲۴ | ۶. دایره‌های آفریقایی                                      |
| ۱۲۴ | ۷. در فضای باز: بازیگران، شیدان، شارلاتان‌ها بر کرسی‌ها    |
| ۱۲۵ | و پایه‌ها                                                  |
|     | از فضاهای باز تا محصور، از فروش اجناس تا فروش              |
| ۱۲۷ | اجراها                                                     |
| ۱۲۹ | ۹. کلیه‌ی شیدان                                            |
| ۱۳۰ | ۱۰. صحنه‌ی لخت                                             |
| ۱۳۳ | بازنمایی کردن عالم                                         |
| ۱۳۳ | چشم‌پوشی کردن از صحنه‌ها                                   |
| ۱۳۳ | ۱۱. استعاره‌ها و ابداعات                                   |
| ۱۳۵ | ۱۲. میسترهای و خانه‌های کوچک                               |
| ۱۳۷ | ۱۳. نخستین تئاترهای بازیگران                               |
| ۱۳۸ | سکوت آتن                                                   |
| ۱۳۹ | ۱۴. نخستین تئاترهای بازیگران در انگلیس                     |
| ۱۴۰ | ۱۵. تئاتر شکسپیر                                           |
| ۱۴۰ | مخاطبان تئاتر لندن                                         |
| ۱۴۲ | ۱۶. نخستین تئاترها در فرانسه                               |
| ۱۴۶ | ۱۷. نخستین تئاترها در اسپانیا                              |
| ۱۴۷ | ۱۸. نخستین تئاترها در هند                                  |
| ۱۴۹ | ۱۹. نخستین تئاترها در ژاپن                                 |
| ۱۵۲ | ۲۰. نخستین تئاترها در چین                                  |
| ۱۵۴ | ریاضت مکانی معروف                                          |
| ۱۵۴ | ۲۱. نخستین تئاترها در ایالات متحده                         |
| ۱۵۵ | ۲۲. نخستین تئاترها در آمریکای لاتین                        |
| ۱۵۷ | ۲۳. از کلیه‌ها تا ساختمان‌های معرف: چرا تئاترها همیشه      |
|     | سبک ایتالیایی را اتخاذ کردند                               |
|     | ۲۴. استند: ابداع تئاتر سبک ایتالیایی (teatro all'italiana) |
| ۱۵۹ | تئاتر برای تماشاگران                                       |
| ۱۶۰ | تئاترهایی برای بازیگران، تئاترهایی برای تماشاگران          |
| ۱۶۲ | ۲۵. نخستین تئاترها در ایتالیا                              |
| ۱۶۴ | ۲۶. تئاتر سبک ایتالیایی: جعبه‌ای جادویی                    |
| ۶۶۱ | ۲۷. لاس‌کالا در میلان:                                     |
| ۱۶۶ | اوج تئاتر سبک ایتالیایی                                    |

گريستن بدون اشک ريختن، ۳۰۵  
کشتن بدون جنگ و دعوا ۳۰۵  
۲۴. اقتصاد و تقسيم کار: نيپ‌ها، رُل‌ها و کاراکترها ۳۰۷

# فصل چهارم / برای چه کسی ۳۱۳

۱. مشاجره‌های پر حرارت بپوار و پکوشه بر سر بازیگران و تماشاگران ۳۱۳  
۲. تماشاگر گذشته ۳۱۸  
رفتار تماشاگر ۳۲۳  
۳. تماشاگر در مرکز ۳۲۳  
تئاتر کوچکی از عروسک‌های سیسيلي در آمریکا ۳۲۳  
۴. انتظارات تماشاگر ۳۲۵  
۵. تماشاگران بیرون تئاتر ۳۲۶  
۶. تماشاگران اشراف‌زاده و عادی ۳۲۷  
۷. تماشاگران بورژوا و دون ژوان‌ها ۳۲۷  
۸. تماشاگران روی صندلی تعیین شده‌شان می‌نشینند ۳۲۸  
۹. آن چه تماشاگر می‌بیند ۳۳۰  
نگاه خیره‌ی کنت ورونسکی ۳۳۱  
۱۰. آتن: وقتی که تماشاگران پول می‌پرداختند ۳۳۴  
۱۱. تأثیر شکونتلا ۳۳۶  
اجرای شاهانه ۳۳۶  
تئاتر شهر و تئاتر روستا ۳۳۷  
۱۲. تماشاگران در روم باستان ۳۳۸  
تماشاگر در انطاکیه ۳۴۰  
۱۳. تماشاگران از تئاتر تاسیرک ۳۴۱  
۱۴. تئاترهای صاحبان قدرت ۳۴۳  
فیل‌های پاره ۳۴۴  
۱۵. تماشاگر شتمانی ۳۴۵  
تئاتر روم موندی ۳۴۵  
۱۶. تئاتر در جای خانه‌ی پکن ۳۴۷  
۱۷. تماشاگران نو و کلبوکی ۳۴۹  
غیرمنتظره ۳۴۹  
۱۸. تماشاگران شرکت‌کننده ۳۵۱  
خوشحالی ۳۵۱  
کارناوال در رم (۱۷۸۸) ۳۵۱  
ماردی گرا در نیواورلئان ۳۵۱  
۱۹. تماشاگران زائر ۳۵۳  
۲۰. تماشاگران حرفه‌ای ۳۵۵  
۲۱. تماشاگران دقیق و بی‌حوصله ۳۵۵  
۲۲. تماشاگران جنجال‌گر ۳۵۶  
۲۳. تماشاگران قاتل ۳۵۸  
۲۴. تماشاگران در جبهه‌ی جنگ ۳۶۰  
۲۵. در اردوگاه اسیران جنگ ۳۶۲  
۶. تماشاگران در زندان ۳۶۴  
۲۷. تئاتر در اردوگاه‌های نازی ۳۶۶  
۲۸. تماشاگران جوان و پیر ۳۶۷  
عروسک‌ها در گولاگ ۳۶۹  
۲۹. تماشا-بازی‌گران ۳۶۹  
تماشا-بازی‌گر ۳۷۱  
۳۰. تماشاگر ناخواسته ۳۷۱

در طرز فکر درباره‌ی تئاتر و شیوه‌ی تئاتر کار کردن ۲۲۲  
گاه‌شماری ۲۲۲  
کوپیاس در نواحی روستایی ۲۲۸  
۱۹۱۷-روسیه- شروع انقلاب اکتبر ۲۳۰  
۷. اصلاح بزرگ: مرحله‌ی دوم ۲۳۵  
۸. اصلاح بزرگ: جغرافیای مرحله‌ی دوم (۱۹۴۵-۱۹۷۵) ۲۳۶  
انگلستان ۲۳۶  
فرانسه ۲۳۷  
دانمارک ۲۳۷  
کوبا ۲۳۷  
روسیه ۲۳۷  
ایتالیا ۲۳۷  
لهستان ۲۳۷  
لبنان ۲۳۷  
آمریکای لاتین ۲۳۷  
ونزوئلا ۲۳۸  
کلمبیا ۲۳۸  
پرو ۲۳۸  
آلمان ۲۳۸  
ژاپن ۲۳۸  
اروگوئه ۲۳۸  
برزیل ۲۳۸  
آرژانتین ۲۳۸  
نیجریه ۲۳۸  
آفریقای جنوبی ۲۳۸  
هند ۲۳۸  
استرالیا ۲۳۹  
۹. پرسش فروید ۲۳۹  
گاه‌شماری ۲۳۹  
انقلاب گروتسکی و گورافسکی در تئاتر ۱۳ ردیف، اوپوله (۱۹۵۹-۱۹۶۴) ۲۵۴  
فضای رودخانه‌وار اودین تئاترت ۲۶۴  
ترس جان ۵۷۲  
۱۱. نورپردازی ۲۷۸  
۱۲. تئاتر با نور آفتاب ۲۷۸  
۱۳. تئاتر با نور آتش ۲۷۸  
۱۴. آتش و شعله ۲۸۰  
۱۵. شمع‌ها و فانوس‌ها ۲۸۰  
۱۶. نورهای جلوی صحنه ۲۸۲  
بازیگر، نور، صحنه ۲۸۴  
نور مهم نوری‌ست که سایه ایجاد کند ۲۸۵  
۱۷. حضور فراگیر اشیاء ۲۸۷  
مادام کاملیا نامعای می‌خواند ۲۹۰  
۱۸. پیام‌رسان ۲۹۰  
۱۹. دستمال جیبی ۲۹۲  
سمبل عشق ۲۹۲  
۲۱. اغراق‌ها ۲۹۸  
۲۲. اغراق‌های ناسازگار دلقک‌ها ۳۰۱  
بازیگر ایدئال ۳۰۲  
۲۳. حرکت همه چیز است، شروع و پایان ۳۰۳  
خط صاف منحنی می‌شود ۳۰۴

|     |                                                       |     |                                             |
|-----|-------------------------------------------------------|-----|---------------------------------------------|
| ۴۲۱ | تئاتر ونو کلتو                                        | ۳۷۲ | چرا ما اینجا هستیم؟                         |
| ۴۲۲ | توکاک تئاترت                                          | ۳۷۲ | تئاتر رایگان چه حرفی برای گفتن دارد؟        |
| ۴۲۳ | مارک ویل                                              | ۳۷۳ | حضور بازیگر                                 |
| ۴۲۳ | مارگاریتاشیرگو                                        | ۳۷۴ | ۳۱. تماشاگر نامرئی                          |
| ۴۲۴ | مسئولیت تئاتر                                         | ۳۷۶ | نمایش تمام شب طول می کشد                    |
| ۴۲۸ | ۴. گزیده‌ای در باب ارزش تئاتر                         | ۳۷۶ | ۳۲. تماشاگر همیشه اسم جمع است               |
| ۴۳۰ | آدولف آپیا- اثر هنری زنده                             |     |                                             |
| ۴۳۱ | آنتونن آرتو-تئاتر و طاعون                             | ۳۷۹ | فصل پنجم / چرا                              |
| ۴۳۳ | والتر بنیامین-برنامه‌ای برای تئاتر پرولتاریایی کودکان |     |                                             |
| ۴۳۴ | آگوستو بوال- تئاتر سرکوب‌شدگان                        | ۳۷۹ | ۱. بوار و پیکوشه از خودشان می پرسند چرا     |
| ۴۳۴ | بر تولت برشت-سخنرانی برای بازیگران-کارگران دانمارکی   | ۳۸۰ | ۲. تأملاتی بر چرایی تئاتر کار کردن          |
| ۴۳۵ | درباره‌ی هنر مشاهده                                   | ۳۸۱ | سنت‌های کوچ‌نشین کوچک                       |
| ۴۳۶ | پیتر بروک- تئاتر مقدس                                 | ۳۸۲ | یک جهش انسان شناختی                         |
| ۴۳۷ | انریکه بوناونتورا-آفرینش جمعی                         | ۳۸۳ | ۳. گزیده‌ی کوچکی در باب شرافت بازیگران      |
| ۴۳۷ | هارولد کلرمن- سال‌های پر شور                          | ۳۸۴ | مولیر                                       |
| ۴۳۹ | ژاک کوپو- روح تئاترهای کوچک                           | ۳۸۵ | آیرا الدریج                                 |
| ۴۴۰ | گوردون کریگ- هنرمندان تئاتر آینده                     | ۳۸۶ | پاتریشیا آریزا                              |
| ۴۴۱ | اتین دکخو-میم، جوهر تئاتر است                         | ۳۸۷ | جوزفین بیکر                                 |
| ۴۴۱ | آناوالیا دل چوپو- رویاپردازی در برابر زندگی           | ۳۸۸ | نورودوم بابا دوی                            |
| ۴۴۲ | ایزادورا دانکن-رقصنده‌ی آینده *                       | ۳۸۹ | روسپیان درباری هندی: دوداسی                 |
| ۴۴۳ | اسکار فزینیو- مانیفست مدرسه‌ی تئاتر فرای موجو         | ۳۹۰ | روسپیان درباری کره‌ای: کیسانگ               |
| ۴۴۴ | آنتونیس فیلو- آیا به دیگران علاقه‌مندی؟               | ۳۹۰ | روسپیان درباری ژاپنی: گیشا                  |
| ۴۴۴ | گئورگ فوکس- تئاتر آینده                               | ۳۹۱ | روسپیان درباری درستکار                      |
| ۴۴۵ | سانتیاگو گارسیا- یک هنرمند چه چیز دیگری می‌تواند      | ۳۹۱ | مادام کاملیا                                |
| ۴۴۵ | باشد                                                  | ۳۹۲ | هیدی کریلا                                  |
| ۴۴۶ | برزی گروتسکی- به سوی تئاتر بی چیز                     | ۳۹۳ | بنجامین داولیویرا                           |
| ۴۴۷ | تئاتر ضروری سارا کین                                  | ۳۹۳ | روکمینی دوی                                 |
| ۴۴۸ | هنر کلامی: تجارت و هنر                                | ۳۹۴ | برادران سیبیلو                              |
| ۴۴۹ | وسولد میرهولت- یک ماهیت نو                            | ۳۹۵ | جیل گرین‌هال                                |
| ۴۵۰ | ویسنته رولتا- عهدا اجداد                              | ۳۹۶ | ترنیداد لادرود گوارا                        |
| ۴۵۰ | پیتر شومان- رقصیدن و چوب‌های زیر بغل                  | ۳۹۷ | صفدر هاشمی                                  |
| ۴۵۱ | بادال سیرکار- یک تئاتر سوم                            | ۳۹۹ | یوهان لوییس هایبرگ                          |
| ۴۵۲ | کارلوس سومیلیانا- چرا تئاتر و آلبرتو؟                 | ۳۹۹ | کومناچی ایچی کاوا                           |
| ۴۵۳ | کنستانتین استانیسلاوسکی- زندگی من در هنر              | ۴۰۱ | سیسی یرتا جونز                              |
| ۴۵۴ | تاداشی سوزوکی- انرژی حیوانی                           | ۴۰۱ | فلورا لاتون و راکوتل کاریو                  |
| ۴۵۵ | یوگنی واخنانگوف- وداع با تماشاگر                      | ۴۰۳ | آدریان لکورور                               |
| ۴۵۵ | آریان منوشکین                                         | ۴۰۴ | اینگمار لیند                                |
| ۴۵۵ | برای کمپانی دو سولی                                   | ۴۰۶ | وودو مکبث                                   |
| ۴۵۷ | اوجنیو باربا- نامه به بازیگر دی (D)                   | ۴۰۶ | سیبیل‌های می لافانگ                         |
| ۴۵۹ | ۵. سفر بازیگران                                       | ۴۰۸ | نامه‌های زندان میرهولد                      |
| ۴۶۱ | ۶. جاده‌ی ابریشم، تئاتر و تجارت                       | ۴۰۹ | جولیانو مرخامیس                             |
| ۴۶۲ | ۷. میدان نقش جهان                                     | ۴۱۰ | آبدیاس ناشیمنتو                             |
| ۴۶۳ | ۸. ماسک‌های سرگردان                                   | ۴۱۱ | روبرتو پارادا                               |
| ۴۶۵ | ۹. ارباب‌ی بازیگران                                   | ۴۱۲ | چوی سرونگ هی                                |
| ۴۶۹ | ۱۰. سیدها، تنه‌ها و چمدان‌ها                          | ۴۱۲ | سارا سیدنز                                  |
| ۴۷۲ | ۱۱. تکنیک چگونه سفر می‌کند                            | ۴۱۳ | رویای اتاق قرمز                             |
| ۴۷۴ | یک فرانسوی دو پکن                                     | ۴۱۴ | کشتن رؤیا                                   |
| ۴۷۵ | سال‌های مهاجرت برشت                                   | ۴۱۵ | الین استورات                                |
| ۴۷۵ | پیتر بروک، آفریقای من                                 | ۴۱۶ | بازیگران زن سافرجت                          |
| ۴۷۶ | اودین تئاتر و آمریکای لاتین                           | ۴۱۷ | تئاتر در جهنم: گولاگ‌های اتحاد جماهیر شوروی |
| ۴۷۷ | کوچ نشینی لیونینگ تئاتر                               | ۴۲۰ | تئاتر در جهنم: اردوگاه نازی‌ها              |

## نامه‌ای به مترجم و خوانندگانم

هولستبرو، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۱

محسن عزیز،

پنج قاره‌ی تئاتر کتابی ست که من و نیکولا آرزو می‌کردیم نخستین کتاب تاریخ تئاتر از زاویه‌ی دید بازیگران باشد. کتابی پیرامون زندگی روزمره‌ی بازیگران، اشتیاق‌ها و تقلاها و دانش و تکنیکشان. من کوله‌باری از هفتاد سال کارآموزی، یادگرفتن و غورکردن را جمع آورده بودم تا بتوانم این کتاب را بنویسم.

این نامه را غنیمت می‌شمارم تا مسئله‌ای شخصی را با تو و خوانندگان آینده‌ی این کتاب در میان بگذارم. وقتی به کشور شما و مردمی که در سفرهایم به آن‌ها برخوردم می‌اندیشم، دلگرم می‌شوم. شما مردمی هستید که از نعمت بخشندگی و سخاوت برخوردارید. و تو محسن عزیز، با اراده و قاطعیت دلسوزانه و کوشش بی‌امانت برای ترجمه‌ی بسیاری از نوشته‌های من، آشکارترین تجسم این خصیصه‌ای.

من آوای تأثرانگیز فرهنگ شما را به لطف کلام حافظ شیراز و عمر خیام شناختم. آن‌ها را در اواخر دهه‌ی پنجاه میلادی خوانده بودم؛ هنگامی که به‌عنوان مهاجری ایتالیایی در زمستان‌های استخوان‌سوز نروژ به‌عنوان جوشکار کار می‌کردم و در دانشگاه درس می‌خواندم.

کشور شما را برای نخستین بار در ۱۹۶۳ (۱۳۴۲ شمسی) دیدم. آن زمان جوانی خام بودم و تشنه‌ی سرچشمه‌ی معرفت و الهام. عازم هندوستان بودم، آنجا که کاتا کالی و قدرت القاگر بازیگر/قصنده‌ی آسیایی را کشف کردم.

در این سفر، دیار شما پلی بود که مرا از جنبه‌ی دیگر زندگی و ارتباطم با تئاتر آگاه کرد. خاطره‌ای که هرگز از لوح دل و جانم پاک نمی‌شود آوای آهنگین مردی بود که قصه‌هایی از شاهنامه‌ی فردوسی را در قهوه‌خانه‌ای در تهران نقلی می‌کرد. پیش‌تر، هرگز در بحر چنین موقعیتی غوطه‌ور نشده بودم. آیا تئاتری که سودایش را در سر می‌پروراندم قادر بود به قوت تأثیر ژرفی دست یابد که در این هم‌نوایی یافتم؟ سفر دورودراز در دل دشت کویر سرآغاز تحولی شخصی در من بود: هنگامی که برای چند روز، در لندزوری قدیمی بالا و پایین می‌شدم که با سرعت کند کاروانی قدیمی، در جاده‌ی باستانی ابریشم به سوی مرز پاکستان می‌رفت.

محسن عزیز می‌خواهم از تو تشکر کنم و به میانجی تو، به یکایک خوانندگانم سلام و ادای احترام کنم. باشد که زندگی با همه‌ی شما با همان سخاوتی رفتار کند که تک‌تک ایرانیانی که دیده‌ام در برخورد با من نشان دادند.

اوجنیو باربا